

تأثیر انواع سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی بر انواع مشارکت سیاسی مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای سنندج

یعقوب احمدی، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، بخش علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، ایران*

Yahmady@pnu.ac.ir

چکیده

اثر شبکه‌های اجتماعی مجازی و فضای سایبر و روابط اجتماعی و تعاملات درون این فضا بر مشارکت مدنی و سیاسی در سال‌های اخیر و با وقوع رویدادهایی از جمله بهار عربی و جشن یک‌درصدی (در آمریکا و اروپا) اهمیت بسیاری یافته است. نوشتار حاضر، در همین زمینه و با توجه به نقش مهم شبکه‌های اجتماعی آنلاین در اعتراضات و فعالیت‌های سیاسی و مدنی آشکار و پنهان از اواخر دهه ۸۰ تا به امروز ایران اسلامی، در صدد ارزیابی اثر سرمایه اجتماعی موجود در شبکه‌های آنلاین و آفلاین بر مشارکت مدنی شهروندان شهر سنندج است. این پژوهش به روش توصیفی از نوع همبستگی و پیمایشی انجام شده است. پرسش‌نامه، تلفیقی از پرسش‌های استاندارد درباره سرمایه اجتماعی در فضای مجازی و غیرمجازی ویلیامز و پرسش‌نامه محقق‌ساخته برای مشارکت سیاسی در دو بعد پنهان و آشکار بوده است. پرسش‌نامه مبتنی بر ضرایب آلفا برای گویه‌ها و اعتبار صوری و اعتبار و پایایی مناسب به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای میان ۴۰۰ نفر از پاسخگویان توزیع شد. یافته‌ها نشان دادند اگرچه شکل رایج مشارکت میان پاسخگویان مانند مشارکت‌های سیاسی آشکار و سنتی (رأی‌دادن، کار حزبی و رفتارهای سنتی سیاسی) است، پاسخگویان تا حدودی در مشارکت‌های سیاسی پنهان (صرف پول برای امور سیاسی، تمایل به کمک داوطلبانه به اجتماع محلی، امضای طومار، شرکت در اعتراضات و سایر اشکال جدید مشارکت) نیز شرکت داشته‌اند و این روند مانند جامعه جهانی در حال پیشروی به سود نوع دوم مشارکت سیاسی است. همچنین نتایج استنباطی نشان دادند بعد برون‌گروهي سرمایه اجتماعی بر مشارکت مدنی آشکار و پنهان معاصر شهروندان اثر معنادارتری از سایر ابعاد داشته است؛ این در حالی است که سرمایه اجتماعی برون‌گروهي غیرمجازی (واقعی) اثر معنادارتری بر مشارکت سیاسی آشکار (سازمان‌یافتگی، رأی‌دادن و شرکت در احزاب) داشته است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، مشارکت سیاسی، سرمایه اجتماعی، برون‌گروهي، درون‌گروهي

مقدمه و بیان مسئله

در چند دهه گذشته، علاقه آکادمیک در حال رشدی به مشارکت سیاسی در دموکراسی‌ها و حتی کشورهای غیردموکراتیک مشاهده شده است. عمده این علاقه درباره نگرانی و تحلیل سطوح در حال نزول مشغولیت مدنی، کاهش میزان رأی‌دادن، فرسایش اعتماد عمومی به نهادهای دموکراتیک و سایر نمادها از جمله تردید، بدبینی و بی‌اعتمادی به سیاستمداران و احزاب سیاسی است. چنین فرایندی سبب ایجاد این باور شده است که کنش جمعی و مدنی دچار فرسایش شده یا آنکه مسیر آن به‌ویژه در جوامع پسا صنعتی به‌طور فزاینده‌ای از مسیرهای سنتی متمایز شده است (Dalton, 2006). بر این اساس و در سال‌های اخیر، بسیاری از متفکران زمان و انرژی زیادی را برای بحث در مشغولیت مدنی و مسئولیت‌های شهروند دموکراتیک - که تا اندازه‌ای به منزله فضیلت مدنی یا فرهنگ مدنی معرفی می‌شود - صرف کرده‌اند (Volpp, 2007: 575). از جمله نخستین، ناب‌ترین و تاحدودی شناخته‌شده‌ترین مطالعه‌ها در حوزه مشغولیت مدنی و مشارکت سیاسی در دوره معاصر کتاب بولینگ تک‌نفره اثر رابرت پاتنام است. او وجود اعتماد اجتماعی در جامعه را موجب تقویت هنجارهای همیاری و فعالیت‌های مدنی می‌داند و معتقد است کسانی که به هم‌شهریان خود اعتماد می‌کنند، بیشتر داوطلب اجرای برخی از کارها می‌شوند، بیشتر صدقه می‌دهند، مشارکت بیشتری در سیاست و سازمان اجتماعی دارند، در مقابل دیدگاه‌های مختلف بردبارترند و احتمال بیشتری وجود دارد که به حقوق دیگران احترام بگذارند (Putnam, 2000: 157). در همین راستا و برای تأکید بر اهمیت تغییر مسیر فعالیت‌های شهروندی و مدنی، بسط مفهوم «شهروند منتقد» در تقابل فرسایش مشغولیت مدنی و فعالیت سیاسی و اشاره به گذرا و موقتی بودن آن مطرح شده است (Ekman & Amna, 2012: 283). در این رابطه، به باور آدلر و گوگین^۱ (2005: 241) فعالیت مدنی اساساً با چگونگی

مشارکت شهروندان فعال در زندگی جمعی برای بهبود شرایط دیگران و کمک به شکل‌دادن به آینده اجتماعی سروکار دارد و مشارکت سیاسی به کنش‌های قانونی شهروندان اشاره دارد که کمابیش به صورت غیرمستقیم در راستای اثرگذاری بر انتخاب حاکمان یا اعمال آنها انجام می‌شود. تئورل^۲ (2006: 803) مشارکت سیاسی را فعالیت‌ها یا کنش‌های شهروندان تلقی می‌کند که به شیوه‌های متعدد در مسیر اثرگذاری بر برون‌دادهای سیاسی در جامعه قرار دارد و در همین راستا، گونه‌شناسی پنج‌بعدی از مشارکت را ارائه می‌دهد که شامل مشارکت انتخابی، مشارکت مصرف‌گرا، فعالیت حزبی، فعالیت اعتراضی و فعالیت‌های ارتباطی است.

در سال‌های اخیر با رشد شبکه‌های اجتماعی مجازی و عضو شدن و فعالیت روزافزون کاربران در این فضا در سطح جهان، بحث درباره اشکال مشارکت مدنی و سیاسی و ابعاد و زوایای آن جنبه‌های تازه‌ای یافته است و بسیاری بر اهمیت این فضای تازه در ایجاد تنوع و جهت‌دهی به مشارکت‌ها و فعالیت‌های مدنی تأکید کرده‌اند؛ از این رو، اثرات اینترنت و فناوری‌های مرتبط با ارتباطات آنلاین و البته سرمایه اجتماعی موجود در این فضا بر فعالیت‌های مدنی و سیاسی به‌ویژه اشکال جدید، بسط یافته و همواره فعالیت مدنی در زمینه‌های فنی، ارتباطی و نهادی برای دانشمندان، پژوهشگران و متخصصان معاصر به‌صورت مسئله و موضوعی در خور توجه قلمداد شده است. رشد رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی مجازی، بحث‌ها درباره تنوع و تکثر سرمایه اجتماعی، به‌ویژه سرمایه‌های اجتماعی موجود در شبکه‌های مجازی و اثرات آن بر حوزه‌های مختلف اجتماعی را پرشور کرده است؛ در واقع، حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب رشد گونه‌ای از سرمایه اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی شده است که متفکران از آن به منزله سرمایه اجتماعی آنلاین نام می‌برند و درباره اثرات مثبت و منفی آن به‌ویژه در حوزه‌های رفتار مدنی و سیاسی بحث‌های بسیاری آغاز شده

² Teorell¹ Adler & Goggin

(سرمایه اجتماعی آفالین و آنالین) بر وضعیت مشارکت و مشغولیت مدنی در دو بعد پنهان و آشکار آن است.

پیشینه تجربی پژوهش

در ایران پژوهش‌های متفاوتی درباره مفهوم مشارکت سیاسی و مشغولیت مدنی انجام شده‌اند (باستانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ پناهی و خوشفر، ۱۳۹۰؛ رهبرقازی و همکاران، ۱۳۹۵). نادری (۱۳۹۶) در فراتحلیلی درباره مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی، بر این نکته تأکید می‌ورزد که میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی کل جامعه بیشتر است؛ با این حال، بیشتر دانشجویان در سطوح پایین سلسله‌مراتب مشارکت سیاسی یعنی شرکت در انتخابات و پیگیری اخبار سیاسی فعال‌اند و تنها درصد کمی از دانشجویان مشارکت سیاسی فعالانه دارند. پژوهشگر بر آن است که مشارکت سیاسی دانشجویان از عوامل تبیین‌کننده عینی، انگیزشی - ذهنی، فرهنگی - اجتماعی و عوامل نهادی تأثیر می‌گیرد.

کرمانی و پاکدامن (۱۳۹۵) در مطالعه وضعیت مشارکت مدنی کاربران فیس‌بوک مبتنی بر سرمایه اجتماعی به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی موجود در فضای مجازی (فیس‌بوک) از جمله عوامل تسهیل‌کننده مشارکت مدنی در دنیای واقعی است. آنها دریافتند بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی، باز یا بسته بودن شبکه دوستان، تراکم شبکه، شرایط دستیابی به منابع، شکاف بین منابع موجود و موردانتظار، رعایت هنجارها و قواعد، اعتماد نهادی - مدنی و هنجارهای کنش متقابل، شاخص‌های تبیین‌کننده مشارکت مدنی کاربران بودند.

رهبرقازی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای درباره فضای مجازی و جهت‌گیری‌های سیاسی نشان می‌دهند در حالی که افزایش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی موجب بالارفتن میزان مشارکت انتخاباتی می‌شود، واقعی تلقی کردن محتوای شبکه‌های اجتماعی و افزایش مصرف روزانه چنین شبکه‌هایی، تأثیر منفی بر تمایل افراد به شرکت در انتخابات داشته است؛ درنهایت، یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند

است. از بی‌تفاوتی اجتماعی تا شرکت در مباحث سیاسی در فضای مجازی (Valenzuela, 2013) و حتی مشارکت در بسیج آنالین یا آفالین (Bode, 2012)، اثرات و پیامدهای دوگانه شکل آنالین سرمایه اجتماعی بر فعالیت مدنی معرفی شده‌اند. در ایران نیز متفکران علوم اجتماعی، سیاستمداران و سیاستگذاران همواره و در طول یکصد و اندی سال اخیر به مسئله مشارکت و مشغولیت مدنی و سیاسی شهروندان و عناصر کلیدی آن توجه کرده‌اند. در این راستا، مسائل عمده اجتماعی از جمله تخریب محیط زیست، چالش‌ها در ترافیک، رعایت نکردن حقوق دیگری و به‌طور کلی توسعه‌نیافتگی جامعه ایران در راستای نبود و بی‌توجهی به فضائل شهروندی، مشارکت و مشغولیت مدنی تشریح و تبیین می‌شوند. همچنین، کردستان ایران، با وجود بافت متفاوت فرهنگی - قومی، وجوه همپوشان و هماهنگ با جامعه ایرانی در حوزه‌های سیاسی و مدنی داشته است؛ اما باور به تلقی کردها به منزله شهروندان درجه دوم و سوم از سوی مردم، متفکران و حتی نمایندگان (برای مثال نطق نمایندگان کرد در مجلس، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۳)، بحث شهروندی، مشارکت و مشغولیت مدنی و فرهنگ شهروندی در جامعه کردستان ایران را دچار پیچیدگی‌های خاصی کرده است؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد جامعه کردستان در ایران و به‌ویژه شهر سنندج مشارکت در فضای مدنی و سیاسی را به برآوردن و کسب حقوق منوط می‌کنند و از این منظر، تقاضاهای مختص به خود را دارند. علاوه بر آن، کردستان ایران به‌طور کلی و شهر سنندج به‌طور خاص در سطوح پایین توسعه‌یافتگی اقتصادی و انسانی قرار دارند (اسلامی، ۱۳۹۱: ۶۵-۵۵) و این مهم مسائل بشمارای در این مناطق به‌همراه آورده است. از این زاویه نیز به نظر می‌رسد مسئله مشارکت و مشغولیت مدنی شهروندی در سنندج، نمود و پیچیدگی خاصی داشته باشد. با توجه به این مطالب، مطالعه حاضر در گام نخست درصدد ارزیابی وضعیت مشارکت و مشغولیت مدنی شهروندان سنندجی است؛ سپس درصدد شناسایی اثر سرمایه اجتماعی به‌منزله یک کل و انواع و ابعاد آن

مثبتی در سطح خرد و متوسط با مشارکت اجتماعی، مدنی و سیاسی دارد.

مطالعات دیگر بر اثر فضای مجازی بر درگیری کاربران با طیف گسترده‌تری از محتوای رسانه‌ای مرتبط با سیاست و امور عمومی تأکید دارند (Akshy et al., 2015) و اینکه این شبکه‌ها شیوه‌های جدیدی برای مکالمه نیمه‌عمومی موجود در شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌دهند (Rojas, 2015) و درنهایت اینکه رسانه‌های اجتماعی شیوه‌های جدیدی برای تبدیل ارزش‌های اجتماعی پنهان به کنش اجتماعی یا سیاسی برای کاربران فراهم می‌کنند (Bode et al., 2014). برخی مطالعات نشان داده‌اند اینترنت بر محدودیت‌های نهادی، فضایی، زمانی، قانونی و ساختی موجود بر ارتباطات غلبه می‌کند، تبادل اطلاعات و انجام اعمال و کنش‌های جمعی را بهبود می‌بخشد، منابع کنش را افزایش می‌دهد و بیش از آن موجب تقویت بسیج شهروندان و دموکراسی مشارکتی می‌شود (Kavada, 2015; Rosa, 2014).

ژوتر و هیندلز^۲ (2012) در پژوهشی درباره‌ی اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری سیاسی، چنین استدلال می‌کنند که بنا به نظریه‌های موجود، سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی مثبتی با کارایی دولت‌ها دارد. این نویسندگان پژوهش خود را با این فرضیه آغاز کرده‌اند که سرمایه‌ی اجتماعی منبعی است که موجب تسهیل شرکت در انتخابات و مسئولیت‌پذیری سیاسی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند این نوع رابطه میان مقامات دارای سرمایه‌ی اجتماعی بالاتر، قوی‌تر بوده است.

ایکدا و بواس^۳ (2011) در پژوهشی درباره‌ی پیوند شبکه‌های گفتگوی اجتماعی و مشارکت سیاسی، براساس نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی چنین استدلال می‌کنند که شبکه‌های گفتگوی اجتماعی، مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهند. یافته‌های آنها نشان می‌دهند بحث درباره‌ی سیاست - چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم - سبب افزایش

شبکه‌های اجتماعی حتی بر گرایش‌های سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند؛ به طوری که در بیشتر موارد افراد استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی، بیشتر از دیگران به سمت گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب گرایش دارند.

اشتریان و امیرزاده (۱۳۹۴) در بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت به این مهم رسیدند که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشارکت رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد.

پناهی و خوشفر (۱۳۹۰) در پژوهش «بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت سیاسی؛ مطالعه‌ی موردی: استان گلستان» که هدف آن، شناخت تغییرات میزان مشارکت سیاسی برحسب سرمایه‌ی اجتماعی بوده است، نشان داده‌اند مشارکت سیاسی انتخاباتی (رای‌دادن)، قوی‌ترین جنبه‌ی مشارکت سیاسی بوده است. همچنین در تبیین مشارکت سیاسی مشخص شد شبکه‌ی روابط و پیوندهای اجتماعی در سطح روابط رسمی، اعتماد در سطح اعتماد بین‌شخصی، تعامل اجتماعی در سطح تعامل گروهی و کنش یاریگرانه در سطح اجتماعی (مادی و معنوی) و مذهبی، بیشترین تأثیر را بر تغییرات میزان مشارکت سیاسی دارند.

عبداللهیان و حقگوئی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ی کاربردی در فضای مجازی و مشارکت سیاسی دانشجویان نشان دادند هرچه میزان و کیفیت استفاده از اینترنت بیشتر و بالاتر باشد، سطح مشارکت سیاسی کاربری اینترنت (دانشجویان) نیز افزایش می‌یابد. آنها معتقدند کیفیت استفاده از اینترنت سهم بیشتری در افزایش میزان مشارکت سیاسی کاربران اینترنت داشته است و نتیجه گرفتند که فناوری‌های جدید ارتباطی و به‌ویژه اینترنت، نقشی بسیار متفاوت از رسانه‌های سنتی در ایجاد فضای مباحثه‌ی آزاد و شکل‌گیری افکار عمومی ناشی از گفتگوی عقلانی انتقادی و درنهایت، کنش سیاسی افراد ایفا می‌کند.

فرا تحلیل انجام‌شده به‌وسیله‌ی اسکوریچ و همکاران^۱ (2016) نشان می‌دهد استفاده از رسانه‌های اجتماعی رابطه‌ی

² Jottier & Heyndels

³ Ikeda & Boase

¹ Skoric et al.

اجتماعی، سرمایه اجتماعی پل‌زننده یا برون‌گروهی در قلمرو آنلاین خواهد بود. علاوه بر موارد ذکر شده، نخستین تلاش‌ها و مطالعات تجربی درباره پیوند سرمایه اجتماعی و فضای مجازی درصدد ایجاد مقیاس برای سنجش سرمایه اجتماعی در فضای مجازی بوده است. هیسورن‌وایت^۴ (2002)، همپتون^۵ (2011) و پینکت^۶ (2003) از نخستین کسانی بودند که بر اهمیت پیوندهای ضعیف و تقویت آن در فضای مجازی تأکید کرده‌اند و عنوان می‌کنند که فناوری‌های ارتباطی جدید مانند اینترنت به طور ذاتی برای ایجاد و حفظ شبکه‌های پیوندهای ضعیف مفیدند.

مبانی نظری

مشارکت سیاسی و انواع آن از مهم‌ترین موضوعات برای فهم دموکراسی و تغییرات سیاسی در جهان معاصر است. همان گونه که آلموند و وربا^۷ (1963: 1) به آن اشاره می‌کنند، مشارکت سیاسی در قلب دموکراسی و توسعه سیاسی جای دارد و توسعه سیاسی و دموکراسی بدون مشارکت آزادانه شهروندان در فرایندهای حکومتی و غیردولتی نفهمیدنی است؛ در واقع، شهروندان از طریق مشارکت صدای خود را به گوش حاکمان می‌رسانند و تقاضاهایشان را در عرصه عمومی مطرح می‌کنند؛ از این رو، مفهوم مشارکت سیاسی مانند چتری است که اشکال بسیار متفاوت کنش را در بر می‌گیرد. بر همین اساس، مشارکت سیاسی عموماً به طیف وسیعی از فعالیت‌ها نسبت داده می‌شود که از طریق آن مردم درصدد اثرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری‌اند که زندگی آنها را شکل می‌دهند (Fox, 2014). هانتینگتون و نلسون^۸ (1976: 53-60)، مشارکت سیاسی را از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه سیاسی قلمداد می‌کنند و آن را تابع دو عامل نگرش‌ها و اولویت‌های نخبگان سیاسی و وضعیت گروه‌ها و نهادهای

مشارکت سیاسی می‌شود. علاوه بر این، گفتگو با افراد دارای دیدگاه‌های متضاد، موجب کاهش مشارکت سیاسی نشده است؛ به عبارت دیگر، بین نگرش‌های نامتجانس سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه‌ای مثبت وجود دارد.

افینگ و همکاران^۱ (2011) در مطالعه‌ای درباره اثر فیس‌بوک، تویتر و یوتیوب بر فعالیت سیاسی تأکید کرده‌اند و معتقدند شبکه‌های اجتماعی اثر معناداری بر مشارکت سیاسی در سطح ملی و کمتر از آن در سطح محلی دارند.

اسکورچ و همکاران (2009) رابطه بین سرمایه اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی در سنگاپور را بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهند بین پیوندهای برون‌گروهی آنلاین و مشارکت آنلاین ارتباط معناداری وجود دارد؛ البته آنها یافته‌ای درباره نقش پیوندهای برون‌گروهی آنلاین در مشارکت سیاسی سنتی نیافته‌اند و این مهم را به بی‌اعتمادی به روابط برون‌گروهی آنلاین نسبت می‌دهند.

برخی مطالعات بر اثر استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر انواع سنتی و آنلاین مشارکت مدنی تأکید کرده‌اند (Pasek et al., 2009). در همین راستا اسمیت و همکاران^۲ (2009) به نتیجه رسیده‌اند که تقریباً از هر پنج نفر از کاربران فضای مجازی، یک نفر مطلبی با محتوای موضوعات سیاسی یا اجتماعی ارسال کرده است. آنها به این نتیجه رسیدند که اثر استفاده از شبکه‌های مجازی بر فعالیت مدنی میان جوانان ۱۸-۲۹ ساله نمود بیشتری دارد.

در همین زمینه، ویلیامز^۳ (2006) در مطالعه‌ای درباره کاهش شکاف میان ادبیات و ابزار اندازه‌گیری، در پی توسعه و اعتبارسنجی مقیاس سرمایه اجتماعی در اینترنت (ISCS) برآمده است. به باور او، این مقیاس برای سنجش دو نوع متفاوت از سرمایه اجتماعی مشهور به برون‌گروهی و درون‌گروهی در فضای مجازی و غیرمجازی تدوین شده است. ویلیامز معتقد است در آینده وجه غالب سرمایه

⁴ Haythornthwaite

⁵ Hampton

⁶ Pinkett

⁷ Almond & Verba

⁸ Huntington & Nelson

¹ Effing et al.

² Smith et al.

³ Williams

عمده بحث مطرح شده در نگاه متفکران کلاسیک حوزه مشارکت به حوزه خاصی از مشارکت مربوط است که از آن به منزله مشارکت متعارف یا سنتی یاد می‌شود و نمود اصلی آن رأی‌دادن و مشارکت‌های سیاسی رسمی است؛ اما متفکران حوزه علوم اجتماعی، در سال‌های اخیر از نگاهی متفاوت به تبیین گونه‌های دیگری از مشارکت در جامعه سوق یافته‌اند. از این سان، بارنز و همکاران^۱ (1979) گسترش آنچه را بعدها «مشارکت سیاسی نامتعارف» نامیده شد، پیش‌بینی کردند. آنها مقیاس‌هایی را برای سنجش کنش سیاسی متعارف مانند رأی‌دادن و نمایندگی افراد در پارلمان و کنش سیاسی نامتعارف مانند تظاهرات، تحریم و اشغال ساختمان‌ها معرفی کردند. در همین راستا، اینگلهارت کاهش میزان بسیج سیاسی نخبه رهبر و رشد میزان فعالیت توده‌ای به چالش کشنده نخبگان را میان جوامع غربی پیش‌بینی کرد. دلیل این پیش‌بینی، دگرگونی بین‌نسلی از ارزش‌های مادی‌گرایانه به ارزش‌های فرامادی‌گرایانه‌ای بود که آنها را پیشتر آزمون کرده بود: مادی‌گرایان به دلمشغولی برای ارضای نیازهای آنی برای بقا گرایش دارند؛ در حالی که فرامادی‌گرایان درباره نیازهای بقا نسبتاً احساس امنیت می‌کنند و به‌طور عمده انرژی فیزیکی شان را در سایر علایق خود سرمایه‌گذاری می‌کنند (Inglehart, 1997: 317-321). اینگلهارت با توجه به اینکه در عموم کشورهای جوامع صنعتی، گروه‌های سنی جوان‌تر نیز سطوح بالاتر مهارت‌های سیاسی را نسبت به گروه‌های سنی پیرتر دارند، نتیجه گرفت فرایندهای تغییر ارزشی و بسیج شناختی همزمان با هم به وقوع می‌پیوندند. افراد این جوامع در حال جایگزینی افزایش تأکید بر ارزش‌های ابراز وجودند و رشد سطوح مهارت، آنها را به مشارکت در سیاست در سطوح بالاتر و تأثیرگذاری بر تصمیمات اثرگذار بر زندگی شان، به نسبت آنکه به سادگی این تصمیمات را به نخبگان واگذار کنند، قادر می‌کند. او بر این باور است که اشکال بورکراتیزه و نخبه رهبر مشارکت مانند رأی‌دادن و عضوشدن در احزاب

اجتماعی واسط در جامعه می‌دانند و بر این باورند که فرایند مشارکت سیاسی از طریق دو مجرا شکل می‌گیرد: تحرک اجتماعی و مجرای سازمان اجتماعی. به باور میلبراث مشارکت سیاسی فعالیت آزادانه و فوق‌ارادی شهروندان است که در جهت اثرگذاری بر سیاست و حکومت صورت می‌گیرد و طیف متنوعی از درگیرشدن در سیاست تا تلاش و رقابت برای کسب مناصب سیاسی را در بر می‌گیرد (Milbrath & Lagoel, 1983: 2). میلبراث مبتنی بر انواع مشارکت از خواندن یا شنیدن اخبار سیاسی و گوش‌دادن یا شرکت در مباحث سیاسی، شرکت در انتخابات و مبارزات سیاسی تا تلاش برای کسب قدرت سیاسی و مناصب حکومتی؛ تظاهرات و اعتراضات سیاسی، تیپولوژی خاصی از کنشگران سیاسی را ارائه می‌دهد و آنها را به پنج گروه تفکیک می‌کند: ۱- افراد کاملاً منفعل که تنها فعالیت سیاسی آنها رأی‌دادن و شرکت در انتخابات است. ۲- کنشگران سیاسی محلی‌گرا که فعالیت آنها به مسائل محلی منحصر است و در فضاهای سیاسی و اجتماعی محلی مشارکت می‌کنند. ۳- کوتاه‌نظرها که در زمینه مسائل دارای نفع شخصی مشارکت دارند. ۴- کنشگران مبارز که تنها درگیر مسائل سیاسی می‌شوند که برایشان مهم است و برای آنها مبارزه کرده‌اند. ۵- کنشگران کاملاً فعال که در تمام زمینه‌های سیاست مشارکت دارند. او برای تبیین مشارکت سیاسی به چهار عامل انگیزه‌ها و محرک‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، نگرش‌ها، باورها و اعتقادات شخصی و محیط سیاسی اشاره می‌کند (Milbrath & Lagoel, 1983: 5).

آلموند و وربا (1963) در تبیین مشارکت سیاسی کنشگران به فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ سیاسی جوامع تأکید می‌کنند. آنها با استفاده از نظریه اجتماعی‌شدن سیاسی، معتقدند هرچه در جامعه سه نهاد اجتماعی‌کننده خانواده، مدرسه و اشتغال، الگوهای مشارکتی قدرتمندی را نهادینه کنند و فرد درون این سه نهاد سابقه مشارکتی بیشتری داشته باشد، در مراحل زندگی مشارکت سیاسی بیشتری خواهد داشت و جامعه از نظر فرهنگ سیاسی به فرهنگ مشارکتی نزدیک‌تر خواهد بود.

¹ Barnes et al.

سیاسی کاهش یافته است؛ اما اشکال مشارکتی خودانگیخته، معنی دار و به چالش کشنده نخبگان، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۲۳). به باور اینگلهارت و ولزل تمام سازمان‌های نخبه‌رهبر سلسله‌مراتبی سبک قدیم مانند اتحادیه‌های کارگری و کلیساها در حال از دست دادن اعضای خود هستند. عضو شدن در احزاب سیاسی به‌طور عمده در حال نزول است، دستگاه‌های سیاسی بزرگ کنترل گروه‌های معتبر رأی‌دهندگان وفادار را از دست داده‌اند و در نتیجه، مشارکت رأی‌دهندگان راکد یا در حال کاهش بوده است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۴۳). به‌طور مشابهی، اعتماد به حکومت، نهادهای دولتی و سازمان‌های پهن دامنه، میان مردم بیشتر دموکراسی‌های ثروتمند در حال کاهش بوده است (Dalton, 2006). در مقابل، رشد فعالیت‌های به چالش کشنده نخبگان مبتنی بر شبکه‌های منعطف اما گسترده مدنی چشمگیر است. از این منظر، مردم از فعالیت‌های مدنی منصرف نمی‌شوند؛ بلکه برعکس، بدیهی است دگرگونی در جهت رشد سطوح فعالیت‌های به چالش کشنده نخبگان به وقوع پیوسته است. اشکال نخبه‌رهبر کنش توده مانند رأی دادن و حضور در کلیسا دچار رکود بوده‌اند یا در حال کاهش‌اند؛ اما اشکال فعالیت مدنی به چالش کشنده نخبگان به‌طور فزاینده‌ای گسترده شده‌اند. شبکه‌های منعطف همپایه این کنش‌ها، فهرست‌های عضویت را برای همیشه حفظ نمی‌کنند. میزان مشارکت به ثبت نمی‌رسد مگر آنکه کسی بخواهد با انجام‌دادن پیمایشی، فعالیت آنها را بسنجد. به‌طور کلی، به باور اینگلهارت و ولزل (2009) نوعی دگرگونی عمده در حال وقوع است. این روند به‌سوی بی‌تفاوتی مدنی نیست؛ بلکه دگرگونی بین‌نسلی از مشارکت نخبه‌رهبر به‌سوی مشارکت به چالش کشنده نخبگان است. همچنان که جوانان، باسوادان و گروه‌های سنی فرامادی‌گرا جایگزین گروه‌های سنی قدیمی‌تر در جمعیت جوان می‌شوند، جایگزینی بین‌نسلی جمعیت، موجب دگرگونی در جهت شکل‌گیری افراد بسیار متکی به خود و باحساس می‌شود.

در همین زمینه و با توجه بیشتر بر اشکال تازه مشارکت، تئورل و همکاران (2007)، بر مبنای نظریات آلموند و وربا (1963) و وربا و نای^۱ (1972) تعریف جامعی از مشارکت سیاسی ارائه می‌دهند؛ تعریفی مبنی بر کنش‌ها و فعالیت‌های شهروندان عادی که به شیوه‌های متعدد در راستای اثرگذاری بر پیامدهای سیاسی در جامعه جهت می‌یابند. آنها تیپولوژی جدیدی از انواع مشارکت سیاسی ارائه می‌دهند که پنج بعد دارد: ۱- مشارکت انتخاباتی، ۲- مشارکت مصرفی (اهدای پول برای امور خیریه)، تحریم و مصرف سیاسی و امضای طومار که جایگاه شهروندان را به منزله مصرف‌کننده منتقد نشان می‌دهد. ۳- فعالیت حزبی، ۴- فعالیت اعتراضی که شامل شرکت در تظاهرات، اعتصابات و سایر فعالیت‌های اعتراضی می‌شود، ۵- فعالیت ارتباطی که شامل تماس با سازمان‌ها، سیاستمداران یا کارمندان دولتی می‌شود (Teorell et al., 2007: 336-337). به باور تئورل و همکاران (2007: 340)، شهروندانی که در یک شیوه یا بعد از رفتار سیاسی درگیر می‌شوند، به مشغولیت در سایر اشکال رفتار سیاسی درون همان بعد تمایل دارند. برای مثال شهروندان شرکت‌کننده در تظاهرات‌های غیرقانونی، به مشغولیت در تظاهرات قانونی نیز تمایل دارند؛ اما لزوماً ممکن است به فعالیت حزب علاقه‌ای نداشته باشند. اکمان و آمنّا^۲ (2012) با تفکیک مشارکت سیاسی به انواع پنهان و آشکار در همان راستای مطالعه تئورل و همکاران (2007)، در صدد ارائه گونه‌شناسی تازه‌ای از مشارکت سیاسی برآمده‌اند. آنها برآنند که اشکال آشکار و متعارف مشارکت (مانند عضو شدن در احزاب سیاسی، تشکیل گروه، یا شرکت در جلسات عمومی و ...) در سال‌های اخیر دچار فرسایش شده‌اند و اشکال جدید در حال گسترش‌اند.

¹ Verba & Nye

² Ekman & Amnå

جدول ۱- انواع مشارکت و جزییات آن در تیپولوژی اکمان و آنا (2012: 292)

مشارکت سیاسی آشکار		مشارکت مدنی (مشارکت سیاسی پنهان)	
فعالیت (مشارکت فراپارلمانی)	مشارکت سیاسی رسمی	درگیری مدنی (کنش)	مشغولیت (توجه)
غیرقانونی	قانونی		
اشکال فردی مشارکت			
اقدامات غیرقانونی دارای انگیزه سیاسی بر مبنای امور فردی	اشکال فراپارلمانی مشارکت: بلندکردن صدای اعتراض یا ایجاد تفاوت با کاربرد ابزارهای فردی (مانند امضای طومار، مصرف سیاسی)	مشارکت انتخاباتی و فعالیت‌های ارتباطی	علاقه فردی به سیاست و موضوعات اجتماعی توجه به موضوعات سیاسی
اشکال جمعی مشارکت			
فعالیت‌ها و اعتراض‌های غیرقانونی و خشن: تظاهرات، شورش، تسخیر ساختمان‌ها، خسارت به اموال عمومی، مقابله با پلیس یا مخالفان سیاسی	اشکال نسبتاً سازمان یافته یا مشارکت سیاسی شبکه‌ای: جنبش‌های اجتماعی جدید تظاهرات، اعتصاب و اعتراض	مشارکت سیاسی سازمان یافته: عضو شدن در احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های مرسوم	حس تعلق به گروه یا جمعی دارای شناسنامه یا دستور کار سیاسی خاص سبک زندگی مرتبط با سیاست (برای مثال، هویت، پوشش، موسیقی، غذا و ارزش‌ها)

ارزش‌هایی تأکید دارد که شهروندان را به زندگی روزانه پیوند می‌دهند و آنها پیوندهای اجتماعی و وفاداری‌شان به اجتماع را تقویت می‌کنند (Bell, 1993: 82-85). این دیدگاه برآمده از مکتب قدیمی آمریکایی به نام «تفکر مدنی» است که از آلکسی دو توکویل تا آلموند و وربا را در بر می‌گیرد. آنها جامعه مدنی را بخش حیاتی دموکراسی نیرومند آمریکایی در نظر می‌گیرند. اجتماع از نظر آنها «سرچشمه فرهنگ مدنی است که شهروندان را در یک قلمرو مشخص، متمایز و گاه متعارض با دولت لیبرال دور هم متحد می‌کند» (Arneil, 2006: 4). «توکویل، آلموند و وربا همگی انجمن‌های داوطلبانه را به مثابه ابزارهایی می‌نگریستند که سرانجام دموکراسی آمریکایی را بیمه خواهد کرد» (Arneil, 2006: 5). تقریباً تمام نظریه پردازان بعدی سرمایه اجتماعی و به ویژه رابرت پاتنام به

سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و مشارکت علاوه بر مباحث ذکر شده درباره مشارکت سیاسی، در مباحث نظری و تجربی درباره تحکیم و تثبیت توسعه سیاسی و دموکراسی، سرمایه اجتماعی و اجزا و ابعاد آن اهمیت خاصی داشته‌اند. لیدا جادسون هانیفن در دهه ۱۹۲۰ در کتاب مرکز اجتماع (1920) و جین جاکوبز در دهه ۱۹۶۰ در کتاب تأثیرگذارش به نام مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکا (1961) مفهوم سرمایه اجتماعی را برای اولین بار به حوزه علوم اجتماعی معرفی کردند؛ اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد، به طور جدی رابرت پاتنام، پیر بوردیو، جیمز کلمن، فوکویاما و دانشمندان دیگر این مفهوم را وارد مباحث جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت و ... کردند (به نقل از شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۸). رهیافت سرمایه اجتماعی (اجتماع‌گرایان) بر

را اصلاح و بعد ارتباطی یا پیوستگی را به آن اضافه کرده است. او نوع ارتباطی را با این توصیف توضیح می‌دهد که افراد با سطوح متفاوت قدرت و منابع و از طبقات اجتماعی متفاوت می‌توانند با هم ارتباط داشته باشند و در این فرایند ترتیبات قدرت و منابع جدیدی برای خدمت به ارتباطات اجتماعی میان گروه‌های ناهمگون فراهم کنند.

فضای مجازی و مشارکت

امروزه ظهور شبکه‌های اجتماعی و تلقی شکل‌گیری نوع تازه‌ای از سرمایه اجتماعی در این شبکه‌ها، اهمیت مطالعه در این زمینه را برای جامعه‌شناسان دوچندان کرده است. رشد شبکه‌های اجتماعی مجازی، جامعه‌شناسان را از بررسی گروه‌ها و مقوله‌های اجتماعی به بررسی پیوندهای بین کنشگرانی سوق می‌دهد که «آنچنان در هم تنیده و به هم پیوسته نیستند که بتوان آنها را گروه نامید» (به نقل از ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰: ۴۳). پژوهش در این زمینه نشان داده است اینترنت بر محدودیت‌های نهادی، فضایی، زمانی و قانونی غلبه می‌کند؛ در نتیجه، تبادل اطلاعات، شیوه‌های ارتباطات و منابع کنش بهبود می‌یابند و بسیج شهروندی و مشارکت دموکراتیک تقویت می‌شود (Kavada, 2015). همچنین بر این نکته تأکید می‌شود که نقش سیاسی اینترنت نه مهم است و نه کارکردی (Hampton, 2011). همپتون استدلال کرده است که «نوع شبکه فراگیر، پیش‌بین مهم‌تر و مناسب‌تری از رفتارهای مدنی و شهروندی است تا پیوندهای قوی کوچک و منسجمی که مردم را با شدت بیشتری به هم مرتبط می‌کنند» (Hampton, 2011: 510). به هر حال، مبانی نظری و تجربی موجود درباره اثر سرمایه اجتماعی در فضای مجازی بر فعالیت مدنی و فرهنگ شهروندی متنوع و بیشتر متناقض بوده است. گزارش‌های مثبت از نقش ارتباطات و فضای مجازی (آنلاین و آفلاین)، عمده توجه خود را به ویژگی‌های گفتگویی، انعطاف‌پذیری، مشورتی و اشکال ذاتاً دموکراتیک شبکه‌های ارتباطات اجتماعی معطوف کرده‌اند. کان و کلنر (2004: 94) با

نوعی با تأثیر گرفتن از مکتب تفکر مدنی، مبادرت به خلق و توسعه مفهوم سرمایه اجتماعی کرده‌اند. رابرت پاتنام از نظریه پردازان اصلی این رهیافت، در پژوهشی عملکرد نهادی حکومت‌های محلی ایتالیا را از نظر تطبیقی بررسی کرده است. او این فرضیه را مطرح می‌کند که تفاوت در عملکرد این حکومت‌ها برخلاف وجود تشکیلات و ترتیبات نهادی یکسان، ناشی از متغیر سرمایه اجتماعی و شبکه اعتماد متفاوت نهفته در بافت و زمینه اجتماعی این مناطق است (به نقل از باگناسکو، ۱۳۸۸: ۳۶). از نگاه پاتنام سرمایه اجتماعی به شکل پدیده‌ای فرهنگی تعریف می‌شود که میزان تمایل به فعالیت مدنی در اعضای جامعه، وجود هنجارهای اجتماعی اشاعه‌دهنده کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی را در بر می‌گیرد (شجاعی‌باغینی و همکاران، ۱۳۸۷). پاتنام موفقیت حکومت‌های مناطق شمالی نسبت به جنوب این کشور را به وجود سنت‌های مدنی (وجود انواع اعتماد به ویژه اعتماد سیاسی) نسبت می‌دهد که موجب مشارکت شهروندان این مناطق در مسائل عمومی، پیروی از قوانین و ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سیاسی افقی شده‌اند. از نظر او این عوامل به همراه درستکاری و همبستگی، جوامع مدنی و دموکراتیکی ایجاد کرده‌اند که از سستی، ناکارآمدی و فساد حاکم در مناطق جنوبی - که از نبودن این عوامل رنج می‌برند - به دور است (پاتنام، ۱۳۷۹: ۳۹)؛ در نهایت، او تأکید می‌کند که عامل کلیدی متمایزکننده جوامع دارای حاکمیت مطلوب از جوامع بدون این حاکمیت، فضیلت مدنی است (ادواردز و قولی، ۱۳۸۹: ۳۴۴). این فضیلت همان طور که اشاره شد، شامل اقدامات و فعالیت‌هایی نظیر مشارکت سیاسی و اجتماعی، اطاعت از قانون، همکاری، تعهد به منافع عامه و ... است. از دیدگاه پاتنام سرمایه اجتماعی نهفته در هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی پیش شرط توسعه اقتصادی، گسترش فرهنگ سیاسی دموکراتیک و در نهایت، حاکمیت کارآمد و دموکراتیک است (ادواردز و قولی، ۱۳۸۹: ۳۲۴). ولکاک و نارایان (۱۳۸۹) تمایز پاتنام میان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی

متفکران رشد فضای مجازی را به‌واسطه تقویت فردیت، انزوا، خاص‌گرایی و محدودیت ارتباطات و همچنین تضعیف انسجام، اعتماد و ارتباط به‌منزله عاملی مانع در مسیر توسعه سیاسی تلقی کرده‌اند. برای نمونه، بلین (2012: 139) استدلال می‌کند که سهم اینترنت و رسانه‌های جدید در بهار عربی تنها تسهیل‌کنندگی بود. به این ترتیب، عمده کارکرد رسانه‌های ارتباطی مدرن بر مشارکت در اشکال مختلف آن در راستای تسهیل‌کنندگی معرفی شده است و از اثر آن بر تغییرات ارزشی یا رفتاری بنیادی سخنی به میان نمی‌آید.

چارچوب نظری مطالعه

مروری بر ادبیات نظری و تجربی مرتبط با مشارکت سیاسی نشان می‌دهد گونه‌های مشارکت در دوره معاصر متنوع است و عوامل مرتبط با مشارکت متعددند. هر یک از دانشمندان یک یا مجموعه‌ای از این عوامل را در تکوین مشارکت سیاسی و مدنی مؤثر می‌دانند. براساس پیشینه‌های تجربی ذکر شده و به‌ویژه با تأکید بر پژوهش‌های کرمانی و پاکدامن (۱۳۹۵) تسهیل مشارکت مدنی در دنیای واقعی توسط سرمایه اجتماعی موجود در فضای مجازی، عبداللهیان و حقگوئی (۱۳۸۸) (افزایش مشارکت سیاسی کاربران اینترنت)، رهبرقاضی و همکاران (۱۳۹۵) (تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی)، نادری (۱۳۹۶) (شدت مشارکت آشکار و متعارف)، تئورل (2006) و اکمان و آمانا (2012) (گونه‌های مشارکت سیاسی، پنهان و آشکار)، گرانووتر³ (1973) (قدرت پیوندهای ضعیف)، کان و کلنر (2004) (خرده‌فرهنگ‌های فعال آنلاین)، بيمبر و همکاران (2009) (امکان عبور از مرز خصوصی به عمومی، انعطاف‌پذیری و استقلال بیشتر برای کنش جمعی) و بنت و همکاران (2014) (شخصی‌سازی کنش جمعی در فضای مجازی)، فرضیه‌های زیر تدوین شدند.

فرضیه‌های پژوهش

اشاره به خرده‌فرهنگ‌های فعال آنلاین، فضای مجازی را «فضای حیاتی تازه برای سیاست و فرهنگ» تلقی می‌کنند. همزمان بيمبر و همکاران¹ (2009) اشاره می‌کنند که فناوری‌های ارتباطی با فراهم کردن امکان عبور از مرز خصوصی به عمومی، انعطاف‌پذیری و استقلال بیشتری برای کنش جمعی فراهم می‌کنند. بنت و همکاران² (2014) با تأکید بر اهمیت تقویت شخصی‌سازی کنش جمعی آنلاین، توضیح می‌دهند که رسانه‌های دیجیتال توانایی شبکه‌های شخصی برای ایفای نقش برجسته‌تر در اعتراضات یا سایر اشکال کنش مدنی را افزایش می‌دهند. برخی متفکران با توجه به کیفیت و کارکردهای ارتباطات آنلاین در زمینه فعالیت مدنی عنوان می‌کنند که برنامه‌های آنلاین، سرعت انتقال و دسترسی به اطلاعات مربوط به اعتراضات و محتوای چندرسانه‌ای را افزایش داده‌اند (Rosa, 2014). ایرل و کیمپورت (2011) و بنت و فیلدینگ (1999) بر ویژگی‌های نوآورانه اشکال مشارکت عمومی آنلاین مانند سایت‌های اعتراضی آنلاین، بایکوت‌های آنلاین و کمپین‌های ایمیلی و توانایی آنها برای تغییر اشکال تثبیت‌شده فعالیت عمومی بدون نیاز به اعتراض آفلاین تأکید کرده‌اند. حتی عده‌ای دیگر از متفکران بیان می‌کنند که فضای مجازی سبب شکل‌گیری اشکال جدیدی از فعالیت می‌شود که در بیشتر موارد با جنبش‌های اجتماعی آفلاین موجود ارتباطی ندارد؛ زیرا این اشکال جدید بر استدلال‌ها و دلایل جدیدی برای مشارکت مبتنی‌اند و احتمالاً به‌وسیله افرادی ایجاد می‌شوند که پیشتر در جنبش‌های اجتماعی فعال نبوده‌اند (Earl & Kimport, 2011). علاوه بر آن، درباره چگونگی عملکرد فرایندهای فضای مجازی و ارتباطات آنلاین (به‌ویژه فیس‌بوک) متفکران مختلف با توجه به اثر فزاینده ایجاد نوع خاصی از سرمایه اجتماعی، اشاره کرده‌اند که فیس‌بوک ابزاری برای فعالیت سیاسی، حمایت از محیط زیست و طراحی شهری است (Valenzuela, 2013). در وجه منفی پیامد حضور گسترده در فضای مجازی، برخی

¹ Bimber et al.

² Bennett et al.

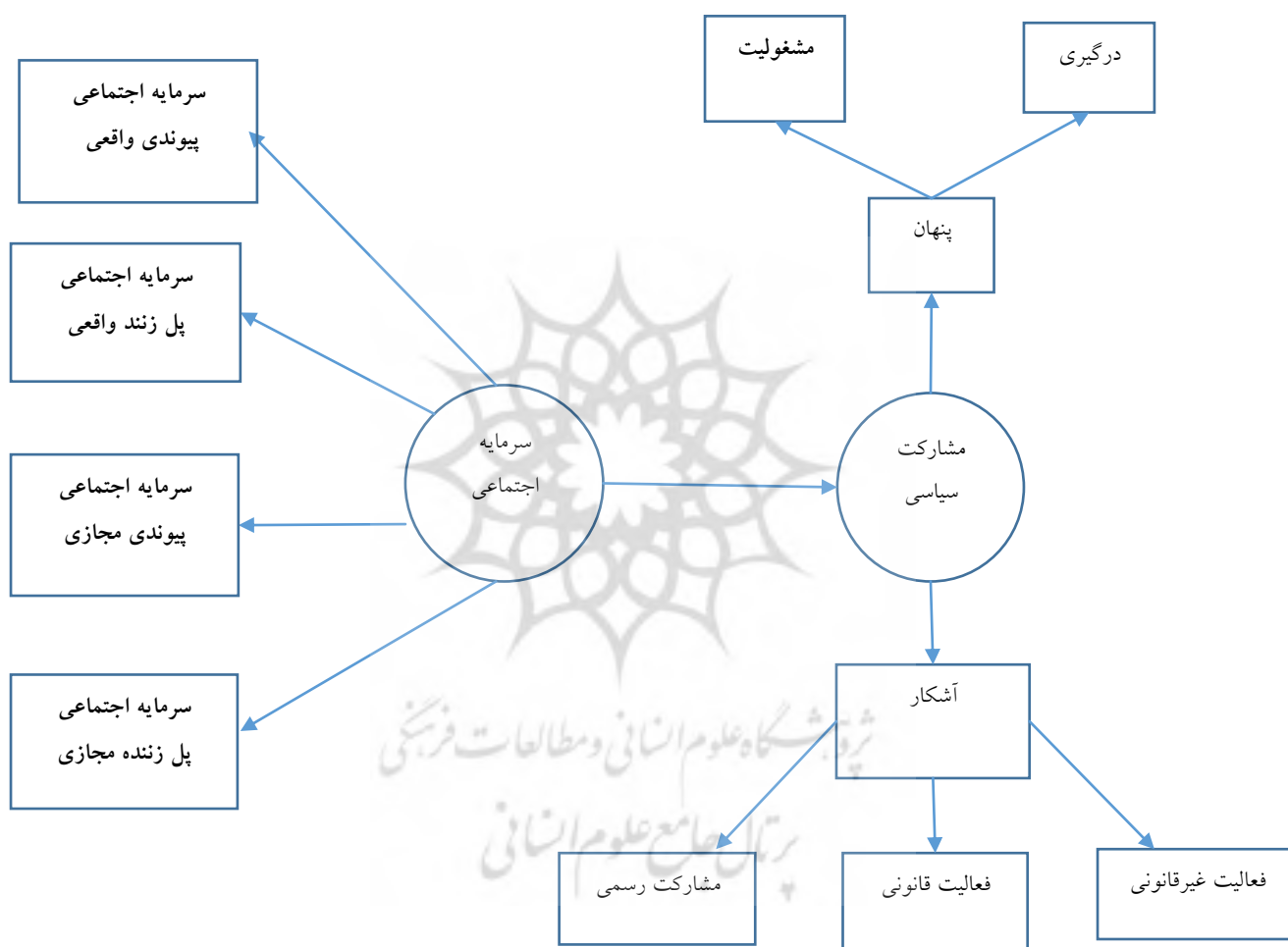
³ Granovetter

- سرمایه اجتماعی برون‌گروهي (پل‌زننده) در فضای مجازی با وضعیت مشارکت سیاسی و انواع آن میان شهروندان سندجی ارتباط دارد.

- سرمایه اجتماعی برون‌گروهي (پل‌زننده) در فضای غیرمجازی با وضعیت مشارکت سیاسی و انواع آن میان شهروندان سندجی ارتباط دارد.

- سرمایه اجتماعی درون‌گروهي (پیوندی) در فضای مجازی با وضعیت مشارکت سیاسی و انواع آن میان شهروندان سندجی ارتباط دارد.

- سرمایه اجتماعی درون‌گروهي (پیوندی) در فضای غیرمجازی با وضعیت مشارکت سیاسی و انواع آن میان شهروندان سندجی ارتباط دارد.



شکل ۱- الگوی نظری پژوهش

پرسش‌نامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شدند. جامعه آماری شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای سندجی بوده است. برای دستیابی به نمونه پژوهشی معرف، براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، سه خوشه از شهر که معرف وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهر سندج‌اند، از سه سطح مختلف

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع پیمایشی است. از نظر کنترل شرایط پژوهش، بررسی پیمایشی، از نظر هدف، بررسی کاربردی، از نظر معیار، ژرفایی از نوع پنهانگر و به لحاظ معیار زمان، بررسی مقطعی است. داده‌ها با استفاده از ابزار

مجازی استفاده می‌کنید یا خیر، انتخاب شدند. حجم نمونه مبتنی بر احتمال وقوع صفت و برآورد خطا و براساس جامعه آماری، ۴۰۰ نفر تعیین شد. در این راستا، پرسش‌نامه محقق ساخته مبتنی بر روایی و پایایی مناسب میان پاسخگویان توزیع شد.

سنندج (۱). مناطق بالا: بلوار شبلی، شالمان، خیابان صفری، شهرک سعدی، مبارک‌آباد و ... ۲. مناطق متوسط: خیابان وکیل، شهرک زاگرس، بهاران و ... ۳. مناطق پایین: عباس‌آباد، فرجه، تققان و ... انتخاب شدند. همچنین پاسخگویان در این مناطق با پاسخ به سؤال شناسایی آیا از اینترنت و فضای

جدول ۲- ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای مختلف پژوهش

آلفای کرونباخ	تعداد گویه	نام متغیر
۰/۸۹۴	۲۵	مشارکت سیاسی
۰/۸۳۲	۱۰	مشارکت سیاسی آشکار
۰/۸۵۲	۱۵	مشارکت سیاسی پنهان
۰/۹۵۱	۴۰	سرمایه اجتماعی
۰/۸۴۳	۲۰	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی
۰/۸۷۱	۲۰	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی

یک مبارزه انتخاباتی فعال شوند، با مقام‌های عمومی تماس بگیرند، شکواییه منتشر کنند، عضو یک سازمان سیاسی شوند و به نامزد یا برنامه انتخاباتی کمک مالی کنند. همچنین ترتیب دادن تظاهرات، اعتراض یا حتی شورش شکل دیگری از مشارکت سیاسی است (in: Teorell et al., 2006: 792). در این مطالعه، مبتنی بر دسته‌بندی تورل و همکاران (2007) و به‌ویژه اکمان و آما (2012)، زیرمجموعه‌های مشارکت سیاسی در دو بعد کلی مشارکت سیاسی پنهان (۱۵ گویه درباره مشارکت در فعالیت‌های مدنی، صرف پول برای امور سیاسی - اجتماعی، مشارکت داوطلبانه در انجام امور محلی و شرکت‌های فعالیت‌های اعتراضی و اعتصابات) و مشارکت سیاسی آشکار (۱۰ گویه از رأی دادن تا حضور در احزاب و سازمان‌ها و اتحادیه‌ها و علاقه به سیاست، تلاش برای برگزیده شدن در محافل سیاسی مختلف)، عملیاتی شده است. فرایند عملیاتی شدن شاخص مشارکت در جدول ۱ به صورت کامل ارائه شده است.

سرمایه اجتماعی در فضای مجازی و غیرمجازی

سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از وجود نداشتن درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۲). تعریف ناظر بر مشارکت سیاسی، بر نقش مشارکت در سلسله‌مراتب قدرت تأکید دارد. به نظر هانتینگتون مشارکت سیاسی عبارت است از «فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی دولت» (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۷۷). در تعریف کلاسیک وربا و نای «مشارکت سیاسی به آن دسته از فعالیت‌های شهروندان عادی اشاره دارد که کمابیش به‌طور مستقیم با هدف تأثیر بر انتخاب کارگزاران دولتی و یا اقداماتی که انجام می‌دهند، انجام می‌پذیرد» (Verba & Nye, 1972: 2). براساس تعبیر دیوید آل پالتز و همکاران (2012) مشارکت سیاسی، کنشی است که بر توزیع ارزش‌ها و کالاهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به باور آنها، برای بسیاری از مردم، مشارکت در سیاست از طریق رأی دادن، اصلی‌ترین شکل مشارکت سیاسی است؛ با این حال، روش‌های بسیاری برای مشارکت در امور سیاسی وجود دارند که طیف گسترده‌ای از مهارت، زمان و منابع را در بر می‌گیرند. مردم می‌توانند در

اجتماعی در محیط‌های برخط و اینترنتی تدوین شده است. این مقیاس به‌طور مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی را در شرایط آنلاین و آفلاین اندازه‌گیری می‌کند. برای دستیابی به این هدف، در مقیاس سرمایه اجتماعی اینترنتی، دو مجموعه سؤال به صورت موازی در نظر گرفته شده است: یک مجموعه برای شرایط آنلاین و دیگری برای شرایط آفلاین.

و شبکه‌هاست که هماهنگی و همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند و سبب کارآمدی جامعه در فعالیت‌های هماهنگ شود (Wall et al., 1998: 311). در این پژوهش، برای سنجش سرمایه اجتماعی در جهان واقعی و جهان مجازی از مقیاس ISCS متعلق به دیمتری ویلیامز (2006) استفاده شده است. مقیاس ISCS که مقیاسی استاندارد به نام «مقیاس سرمایه اجتماعی اینترنتی» است، برای اندازه‌گیری سرمایه

جدول ۳- تعریف عملیاتی متغیر مستقل

شاخص	بعد	گزینه‌ها
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - برون‌گروهی (مجازی - غیرمجازی)	در دنیای واقعی/مجازی کسانی هستند که برای حل مشکلاتم به آنها اعتماد دارم.
		در دنیای واقعی/مجازی کسی هست که می‌توانم برای مشاوره درباره تصمیم‌گیری‌های خیلی مهم به او مراجعه کنم.
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - برون‌گروهی (مجازی - غیرمجازی)	در دنیای واقعی/مجازی کسی نیست که بتوانم با خیال راحت درباره امور شخصی و محرمانه با او صحبت کنم.
		زمانی که احساس تنهایی می‌کنم حداقل چندین نفر در دنیای واقعی/مجازی هستند که می‌توانم با آنها صحبت کنم.
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - برون‌گروهی (مجازی - غیرمجازی)	اگر به یک کمک ۵ تا ۱۰ میلیونی نیاز داشته باشم، می‌دانم در دنیای واقعی/مجازی حداقل یک نفر هست که می‌توانم روی او حساب کنم.
		من از اعتبار و منزلت کسانی که در دنیای واقعی/مجازی با آنها تعامل دارم، استفاده می‌کنم.
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - برون‌گروهی (مجازی - غیرمجازی)	کسانی که در دنیای واقعی/مجازی با آنها رابطه دارم، حاضرند کارهای خوبی به من معرفی کنند.
		کسانی که در دنیای واقعی/مجازی با آنها رابطه دارم، حاضرند سرمایه مالی کم خود را هم با من شریک شوند.
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - برون‌گروهی (مجازی - غیرمجازی)	من در دنیای واقعی/مجازی شناخت کافی از افراد ندارم که انجام کارهای مهم را به آنها بسپارم.
		کسانی که در دنیای واقعی/مجازی با آنها رابطه دارم، حاضرند علیه بی‌عدالتی به من کمک کنند.
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - برون‌گروهی (مجازی - غیرمجازی)	ارتباط با افراد در دنیای واقعی/مجازی مرا به مسائلی که خارج از محل سکونتیم اتفاق می‌افتد، علاقه‌مند می‌کند.
		کسانی که در دنیای واقعی/مجازی با آنها رابطه دارم، سبب می‌شوند بخواهم تجارب جدیدی کسب کنم.
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - برون‌گروهی (مجازی - غیرمجازی)	کسانی که در دنیای واقعی/مجازی با آنها رابطه دارم، مرا به نظرات کسانی که شبیه من فکر نمی‌کنند، علاقه‌مند می‌کنند.
		گفتگو با کسانی که در دنیای واقعی/مجازی با آنها رابطه دارم، مرا نسبت به مناطق دیگر جهان کنجکاو می‌کند.
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - برون‌گروهی (مجازی - غیرمجازی)	ارتباط با افراد در دنیای واقعی/مجازی، سبب می‌شود خود را قسمتی از جامعه بزرگ‌تر حس کنم.
		ارتباط با افراد در دنیای واقعی/مجازی، سبب می‌شود خود را با مسائل کلان‌تری در ارتباط احساس کنم.
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - برون‌گروهی (مجازی - غیرمجازی)	تعامل با افراد در دنیای واقعی/مجازی به من یادآوری می‌کند همه افراد جهان با هم در ارتباط‌اند.
		مایلم بخشی از زمانم را صرف حمایت از فعالیت‌های جامعه مجازی/واقعی بکنم.
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - برون‌گروهی (مجازی - غیرمجازی)	ارتباط با افراد در دنیای واقعی/مجازی، افراد جدیدی را برای گفتگو و معاشرت به من معرفی می‌کند.
		دنیای واقعی/مجازی، جایی است که می‌توانم هر لحظه با افراد جدیدی در ارتباط باشم.

جهان مجازی با آلفای ۰/۸۴۱ است. همه پرسش‌ها به صورت پنج‌گزینه‌ای و به صورت طیف لیکرت تدوین شده‌اند (Williams, 2006: 10). ده گویه اول هر پرسش‌نامه بعد

این مقیاس شامل ۲۰ سؤال بسته برای سنجش سطح سرمایه اجتماعی در جهان واقعی با آلفای کرونباخ ۰/۹۰۳ و ۲۰ سؤال بسته دیگر برای سنجش سطح سرمایه اجتماعی در

درون‌گروهی سرمایه اجتماعی (پیوندی) و ده سؤال دوم به بعد برون‌گروهی سرمایه اجتماعی (پل‌زننده) مربوط است.

شبکه‌های اجتماعی

جی‌ای‌گرانز در سال ۱۹۵۴ اصطلاح شبکه‌های اجتماعی را برای نخستین بار طرح کرد و از آن پس به سرعت به شیوه‌ای کلیدی در مطالعات تبدیل شد. شبکه‌های اجتماعی اینترنتی پایگاه یا مجموعه پایگاه‌هایی‌اند که امکان اشتراک علاقه مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های کاربران را با دیگران برقرار می‌کنند. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌کند که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد و با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آنها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (Boyd & Ellison, 2007: 213). به‌طور کلی، در تعریف شبکه‌های اجتماعی می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی سایت‌هایی‌اند که از یک سایت ساده مانند موتور جستجوگر با اضافه‌شدن امکاناتی مانند چت و ایمیل و امکانات دیگر خاصیت اشتراک‌گذاری را به کاربران خود ارائه می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی، محل‌گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ، به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند؛ در واقع، شبکه‌های اجتماعی برای افزایش و تقویت تعاملات

اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده‌اند (Pempek, et al., 2009: 230)؛ بنابراین، شبکه اجتماعی مجازی زنجیره‌ای از ارتباطات و گره‌های شبکه اجتماعی یا حضور غیرفیزیکی افراد در یک محل مجازی است. در شبکه اجتماعی مجازی ارتباط افراد و سازمان‌ها یا گروه‌ها رودررو و بدون واسطه نیست؛ بلکه به ابزاری به نام اینترنت بستگی دارد. در این مطالعه، با توجه به آنکه شبکه اجتماعی متغیری مستقل تعریف نشده است، در پرسش‌نامه تنها به‌منزله متغیر یا پرسش‌سناسایی و عامل تفکیک و تمیز پاسخگویان به‌منزله کاربران فضای مجازی و دیگران مطرح شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

نتایج توصیفی نشان می‌دهند از نمونه پژوهش ۲۰۸ نفر را مردان و ۱۹۲ نفر را زنان تشکیل می‌دهند که این امر تصادفی بودن نمونه را بیشتر نمایان می‌کند. در زمینه تحصیلات نیز حدود ۳۸ درصد پاسخگویان در مقطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی بوده‌اند و میانگین سنی پاسخگویان ۳۳ سال بوده است. در رتبه‌بندی درآمدی، سطح درآمد ۷۰۰ تا یک میلیون تومان در ماه، بیشترین فراوانی را (۵۳/۶ درصد) و درآمد بالای سه میلیون تومان در ماه کمترین فراوانی را (۴/۵ درصد) میان پاسخگویان داشته‌اند. درباره وضعیت مسکن ۴۸/۷ درصد مسکن ملکی دارند و بقیه مسکن شخصی ندارند و در خانه‌های رهنی و اجاره‌ای اسکان یافته‌اند.

جدول ۴- آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرهای پژوهش	حداقل آماره	حداکثر آماره	میانگین	انحراف معیار	وضعیت
مشارکت سیاسی	۲۵	۱۲۵	۸۳/۱۳	۷/۵۷	در حد از متوسط
مشارکت سیاسی آشکار	۱۰	۵۰	۴۳/۲۷	۵/۳۲	بالاتر از متوسط
مشارکت سیاسی پنهان	۱۵	۷۵	۳۹/۴۵	۴/۷۶	تقریباً پایین‌تر از متوسط
سرمایه اجتماعی	۴۰	۲۰۰	۱۲۵/۱۹	۱۷/۲۱	متوسط
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (غیرمجازی)	۱۰	۵۰	۳۷/۵	۱۱/۷	بالاتر از متوسط
سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (غیرمجازی)	۱۰	۵۰	۲۸/۳۳	۱۱/۳۴	پایین‌تر از متوسط
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (مجازی)	۱۰	۵۰	۲۷/۴۷	۱۱/۷	پایین‌تر از متوسط
سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (مجازی)	۱۰	۵۰	۳۴/۳۳	۱۱/۳۴	بالاتر از متوسط

یافته‌های استنباطی

با توجه به آنکه متغیرهای اصلی مطالعه حاضر در سطح فاصله‌ای و به عبارتی دقیق‌تر، فاصله‌ای ناکامل (دواس، ۱۳۸۳) قرار دارند و در چنین مواردی بهترین آزمون برای بررسی روابط، آزمون همبستگی پیرسون است، از این آزمون برای بررسی روابط متغیرها استفاده شد. نتایج استنباطی نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین ابعاد چهارگانه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی است. رابطه تأیید شده برای این چهار بعد، مستقیم (مثبت) و متوسط رو به بالا بوده است. بیشترین شدت ارتباط به بعد برون‌گروهی سرمایه اجتماعی در فضای واقعی مربوط است (۰/۵۲۳) که شدت آن بیش از متوسط ارزیابی می‌شود.

نتایج یافته‌های توصیفی نشان می‌دهند میانگین مشارکت سیاسی به منزله یک کل، نمره ۸۳/۱۳ از حد وسط نمره ۱۲۵ بوده است که نشان می‌دهد مشارکت سیاسی شهروندان تقریباً در حد متوسط بوده است. درباره میانگین ابعاد مشارکت سیاسی نتایج جدول نشان می‌دهند از میانگین بعد مشارکت سیاسی آشکار بالاتر از متوسط و میانگین مشارکت سیاسی پنهان پایین‌تر از متوسط بوده است. این موضوع نشان می‌دهد شهروندان سندجی در حوزه رفتارهای متعارف و سنتی مشارکت، وضعیت مساعدتری نسبت به حوزه‌های جدید مشارکت دارند. نتایج جدول نشان می‌دهند وضعیت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در فضای مجازی و سرمایه درون‌گروهی در فضای غیرمجازی و واقعی میان شهروندان، میانگین بالاتری داشته است.

جدول ۵- آزمون فرضیه‌ها و ارتباط متغیرهای پژوهش

مشارکت سیاسی		
سطح معناداری	شدت همبستگی	
۰/۰۰۰	۰/۳۴۲	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۵۷۱	سرمایه اجتماعی مجازی
۰/۰۵۶	۰/۱۰۳	سرمایه اجتماعی غیرمجازی
۰/۰۰۰	۰/۴۴۳	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی مجازی
۰/۱۵۴	۰/۱۳۴	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی مجازی
۰/۰۰۰	۰/۵۲۳	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی غیرمجازی

همچنین نتایج نشان دهنده اثر مستقیم و معنادار سرمایه اجتماعی مجازی میان شهروندان ایرانی و کردستانی، رشد فزاینده وقوع رفتارهای مدنی از جمله شرکت در اعتراضات و تحریم کالاها و تأکید بر رفتارهای زیست‌محیطی در سالیان اخیر، توجیه‌پذیر است. نتایج همچنین بیان کننده اثر جدی سرمایه اجتماعی غیرمجازی و به‌ویژه گونه برون‌گروهی سرمایه اجتماعی در فضای واقعی (۰/۴۷۵) بر مشارکت سیاسی آشکار و زیرمجموعه‌های آن مانند رأی‌دادن و شرکت در احزاب و اتحادیه‌ها و سازمان‌های دولتی و سیاسی است.

همچنین نتایج نشان دهنده اثر مستقیم و معنادار سرمایه اجتماعی مجازی و نوع برون‌گروهی آن بر گونه پنهان مشارکت سیاسی و اشکال مرتبط با آن از جمله شرکت در اعتراضات، اعتصابات و مشارکت مصرفی و ... است. این مقدار ارتباط تقریباً دو برابر بیش از شدت رابطه میان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی غیرمجازی (واقعی) و مشارکت سیاسی پنهان است و این موضوع نشان می‌دهد وجود شبکه‌های اجتماعی مجازی بسیار بیش از شبکه‌های ارتباطی واقعی در تمایل افراد به درگیری در مشارکت‌ها از نوع جدید مؤثر است. از این منظر و همزمان با رشد حضور فزاینده در

جدول ۶- آزمون فرضیه‌ها و ارتباط متغیرهای پژوهش

مشارکت سیاسی پنهان		مشارکت سیاسی آشکار		
سطح معناداری	شدت همبستگی	سطح معناداری	شدت همبستگی	
۰/۰۰۰	۰/۴۳۸	۰/۰۵	۰/۱۱۲	سرمایه اجتماعی مجازی
۰/۰۶	۰/۱۰۴	۰/۰۰۰	۰/۲۴۷	سرمایه اجتماعی غیرمجازی
۰/۰۰۱	۰/۱۳۲	۰/۰۹۱	۰/۰۸۷	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی مجازی
۰/۰۰۰	۰/۵۲۳	۰/۰۰۰	۰/۳۲۳	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی مجازی
۰/۰۹۲	۰/۰۶۵	۰/۰۰۰	۰/۲۱۴	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی غیرمجازی
۰/۰۰۰	۰/۲۴۳	۰/۰۰۰	۰/۴۷۵	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی غیرمجازی

علاوه بر آن، یافته‌های مربوط به ارتباط متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته نشان می‌دهند سن و تحصیلات اثر معناداری بر متغیر وابسته داشته‌اند؛ البته اثر سن، معکوس و معنادار و اثر تحصیلات مستقیم بوده است؛ به این معنا که افزایش

تحصیلات احتمالاً سبب تقویت مشارکت سیاسی خواهد شد. همچنین مشارکت سیاسی مردان بیش از زنان بوده است و از این نظر تفاوت معناداری میان زنان و مردان وجود داشته است.

جدول ۷- ارتباط متغیرهای زمینه‌ای و متغیر وابسته پژوهش

نتیجه	جهت رابطه	مقدار آزمون و معنی‌داری	آزمون استفاده شده	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تأیید فرضیه	-	($T=۳/۳۴۱$) ($Sig=۰/۱۸۷$)	T	جنسیت	سرمایه اجتماعی
تأیید فرضیه	معکوس	($r=-۰/۱۸۹$) ($Sig=۰/۰۰۰$)	پیرسون	سن	سرمایه اجتماعی
رد فرضیه	-	($T=۲/۱۸۶$) ($Sig=۰/۱۸۷$)	T	تأهل	سرمایه اجتماعی
تأیید فرضیه	-	($r=۰/۳۴۵$) ($Sig=۰/۰۰۰$)	اسپیرومن	تحصیلات	سرمایه اجتماعی

داده شده است، تقریباً ۴۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. در این راستا و برای تشخیص اثر جداگانه هر یک از ابعاد و امکان مقایسه، آماره‌های استاندارد در جدول ۸ ارائه شده‌اند.

الگوی برازش اثر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی برای بررسی میزان تأثیر و تعیین‌کنندگی هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است. در مجموع هر چهار بعد سرمایه اجتماعی وارد شده در تحلیل، همان‌طور که در جدول ۶ نشان

جدول ۸- آماره‌های تحلیل رگرسیونی چندمتغیره فرهنگ شهروندی

ضریب همبستگی چندگانه	Multiple R
ضریب تبیین	R Square
ضریب تبیین تصحیح شده	Adjusted R Square
آزمون دوربین - واتسون	Durbin-Watson
	۰/۶۳۲
	۰/۵۲۳
	۰/۴۸۴
	۲/۴۹

نتایج تحلیل در الگوی برازش مشارکت سیاسی با توجه به

مقدار F به دست آمده ($f=25.211$ - sig: 0.000)، نشان دادند

جدول ۹- تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره مشارکت سیاسی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
اثر رگرسیونی	۳۲۱۰/۴۱۵	۵	۶۲۸/۲۱	۲۵/۲۱۱	۰/۰۰۰
باقی مانده	۱۳۳۹/۷۴۰	۳۳۵	۲۵/۲۰۱		
کل	۴۵۵۴/۱۳۸	۳۴۰	-		

جدول ۱۰- آماره‌های مربوط به متغیرهای مستقل در الگو

نام متغیر	B	St	Beta	T	Sig
عرض از مبدأ	۵۵/۴۱۵	۱۱/۷۸۴	-	۹/۴۶۲	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی برون‌گروهی مجازی	۱/۱۱۲	۰/۱۷۸	۰/۳۲۶	۶/۳۱۲	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی مجازی	۱/۰۱۴	۰/۸۳۹	۰/۱۰۲	۳/۷۶۴	۰/۰۵۳
سرمایه اجتماعی برون‌گروهی غیرمجازی	۱/۰۳۴	۰/۱۲۷	۰/۴۷۸	۹/۶۴۷	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی غیرمجازی	۱/۰۷	۰/۹۲۲	۰/۱۴۸	۳/۴۱۸	۰/۰۳۱

همان‌طور که از جدول ۱۰ مشخص است و البته نتایج آن با نتایج مبانی نظری و بسیاری از مطالعات تجربی همخوانی دارد، از میان متغیرهای وارد شده در معادله و تحلیل رگرسیونی، متغیر مشارکت سیاسی در درجه اول از متغیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی غیرمجازی تأثیر می‌گیرد. این متغیر به تنهایی ۴۸ درصد از واریانس مشارکت سیاسی میان جامعه مطالعه شده را تبیین می‌کند. به عبارتی، وجود شبکه‌های ارتباطی در فضای واقعی بیشترین اثر را بر مشارکت سیاسی (آشکار و پنهان) به منزله یک کل داشته است. در مرحله دوم، متغیر سرمایه اجتماعی موجود در فضای مجازی حدود ۳۳ درصد از مشارکت سیاسی شهروندان را تبیین کرده است. این به آن معناست که حضور و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و پیوند با افراد غریبه و کسانی که ارتباط نزدیک و صمیمی با آنها وجود ندارد و پیوند با آنها بر اعتماد عام مبتنی است، اثر معنادارتری بر مشارکت سیاسی شهروندان داشته است. متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در فضای غیرمجازی نیز اثر معناداری بر فعالیت‌ها و مشارکت سیاسی افراد بر جای گذاشته است (۰/۱۴۸)؛ در نهایت، بعد

درون‌گروهی مجازی سرمایه اجتماعی در رتبه آخر اثرگذاری قرار دارد (۰/۱۰۲).

نتیجه

توسعه سیاسی همواره به منزله آمال مطلوب جوامع مختلف در جهان مطرح بوده است و بدون تردید، تصور توسعه سیاسی بدون مشارکت آن هم از نوع سیاسی آن تقریباً ناممکن است. مشارکت سیاسی کانونی‌ترین و مقدم‌ترین وجه توسعه سیاسی است. در سال‌های اخیر، نگرانی‌های بسیاری درباره وضعیت مشارکت سیاسی و روند کاهشی و فرسایشی آن از سوی متفکران مطرح شده است. برخی دانشمندان نیز بر تغییر محتواها و اشکال مشارکت سیاسی تأکید و ایده روند و سیر نزولی مشارکت را رد می‌کنند. در این راستا، هدف مطالعه حاضر فهم و واکاوی این ایده‌های متفاوت با مراجعه به وضعیت مشارکت سیاسی شهروندان سنندجی مبتنی بر مفهوم سرمایه اجتماعی و به‌ویژه شکل نوظهور آن یعنی سرمایه اجتماعی مجازی یا سرمایه اجتماعی در فضای مجازی در شهر سنندج بوده است. یافته‌های توصیفی پژوهش نشان

می‌دهند میانگین مشارکت سیاسی که براساس مطالعه اکمان و آمانا (2012) به دو بعد مشارکت سیاسی آشکار و پنهان تفکیک شده بود، در محدوده‌های متوسط قرار داشته است؛ البته نتایج نشان‌دهنده وضعیت مناسب‌تر و بالاتر مشارکت سیاسی آشکار میان شهروندان سنندجی بود. این موضوع تأییدکننده نظریه‌های اینگلهارت و همکاران (۱۳۸۹) است که بر همزمانی حضور در جامعه سنتی و صنعتی و انجام کنش‌های سیاسی متعارف تأکید دارند. به این معنا، فرایندی که در کشور در راستای اشکال مشارکت آغاز شده و نشانه‌های آن در پاسخ‌های شهروندان و میزان مشارکت آنها در اشکال پنهان مشهود است، در ابتدای راه است و عوامل جانبی دیگری باید مداخله کنند تا این دگرگونی در نوع مشارکت به وقوع بپیوندد؛ به عبارتی، اشکال سنتی مشارکت مانند رأی‌دادن، مشارکت در احزاب و سازمان‌های سیاسی دولتی و ... هنوز هم اهمیت بیشتری نسبت به سایر اشکال مشارکت دارند؛ اما روند پیشروی در جامعه سیاسی ایران و مشاهدات و مستندات نشان‌دهنده تغییری اساسی در آینده‌ای نزدیک در اولویت‌گزینش اشکال جدید مشارکت مانند اعتصاب و اعتراض و نوشتن طومار و مواردی از این دست است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها، برآوردها و سطح معناداری نیز نشان داده‌اند اثر هر چهار بعد سرمایه اجتماعی (برون‌گروهی-درون‌گروهی) در فضای مجازی و غیرمجازی بر متغیر وابسته مشارکت سیاسی معنادار بوده است؛ در نتیجه، متغیر سرمایه اجتماعی (برون‌گروهی-درون‌گروهی) در فضای مجازی و واقعی اثر معناداری بر مشارکت سیاسی بر جای گذاشته است که این نتیجه با مطالعات تجربی بنت و همکاران (2014)، کاوادا (2015) و روسا (2014) مبنی بر اثر حضور در فضای مجازی بر حذف محدودیت‌های نهادی، فضایی، زمانی، قانونی و ساختی موجود بر ارتباطات و تبادل اطلاعات و بهبود انجام اعمال و کنش‌های جمعی و افزایش منابع کنش و تقویت بسیج شهروندان و دموکراسی مشارکتی همخوانی و هماهنگی داشته است. همچنین با نتایج مطالعه اسکوریچ و

همکاران (2009) درباره اثر پیوندهای برون‌گروهی بر مشارکت سیاسی و اسکوریچ و همکاران (2016) درباره اهمیت حضور در فضای مجازی برای مشارکت مدنی همخوانی داشته است. نتایج همچنین تأییدکننده نظریه‌های متفکرانی مانند همپتون (2011) است. او معتقد است «نوع شبکه فراگیر پیش‌بین مهم‌تر و مناسب‌تری از رفتارهای مدنی و شهروندی است تا پیوندهای قوی کوچک و منسجمی که مردم را با شدت بیشتری به هم مرتبط می‌کنند» (Hampton, 2011: 510). همچنین با ایده کان و کلنر (2004: 94) با اشاره به خرده‌فرهنگ‌های فعال آنلاین فضای مجازی به‌منزله فضای حیاتی تازه برای سیاست و فرهنگ همخوانی دارد. همزمان بیمبر و همکاران (2009) اشاره می‌کنند که فناوری‌های ارتباطی با فراهم کردن امکان عبور از مرز خصوصی به عمومی، انعطاف‌پذیری و استقلال بیشتری برای کنش جمعی فراهم می‌کنند.

نتایج پژوهش حاضر بیان‌کننده ارتباط معنادار متغیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و تاحدودی درون‌گروهی در فضای واقعی با مشارکت سیاسی بوده‌اند؛ البته این نتیجه میان پژوهش‌های پیشین نتایج متضادی را نشان داده است. برخی مطالعات بر اهمیت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و نقش مثبت آن برای مشارکت سیاسی تأکید کرده‌اند. در این زمینه مهم‌ترین مطالعه و ایده به رابرت پاتنام مربوط است که بر اثر سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بر مشارکت مدنی تأکید می‌کند. همان‌گونه که در مباحث نظری به آن اشاره شد، پاتنام سنت‌های مدنی (وجود انواع اعتماد به‌ویژه اعتماد سیاسی) را موجب مشارکت شهروندان، پیروی از قوانین و ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سیاسی می‌داند. از نظر او این عوامل به‌همراه درستکاری و همبستگی، جوامع مدنی و دموکراتیکی ایجاد کرده‌اند که از سستی، ناکارآمدی و فساد حاکم در مناطق جنوبی که از نبودن این عوامل رنج می‌برند، به دورند (پاتنام، ۱۳۷۹: ۳۹)؛ درنهایت، او تأکید می‌کند که عامل کلیدی که جوامع دارای حاکمیت مطلوب را از جوامع بدون آن متمایز می‌کند، فضیلت

آفلاین همسوست.

به هر حال، نتایج تجربی مطالعه حاضر را به لحاظ جامعه‌شناختی می‌توان اینگونه تفسیر کرد که با ظهور جامعه شبکه‌ای و فضای اجتماعی مجازی، شکل، محتوا و کیفیت تعاملات انسانی و به دنبال آن کنش‌های مدنی و سیاسی دچار تغییرات چشمگیری شده‌اند که مطالعه و تحلیل آنها براساس مبانی نظری پیشین تاحدودی دشوار و ناممکن است؛ از این رو، در کنش‌های مدنی و سیاسی، سخن از مشارکت نامتعارف از سوی اینلگهارت و همکاران (2009) و تأکید بر روندی است که در آن نوع کنش‌های مدنی از شکل‌های متعارف خود (از جمله حضور در احزاب و کنش‌های مدنی حزبی و سخت) فاصله گرفته است و وجه غالب (اگرچه امروزه تنها در جوامع غربی) صورت تازه‌ای از کنش مدنی است که براساس ارتباطات مجازی و کنش‌ها و فعالیت‌های بی‌نیاز از پیوندهای منظم و ثابت شکل گرفته است. این روندی است که با رشد جامعه شبکه‌ای در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران نیز در حال گسترش است. نشانه‌ها و مصداق‌های چنین روندی در فعالیت‌های سیاسی و مدنی در حوزه‌های زیست‌محیطی، منابع آبی، طرفداری از حیات وحش ایرانی و حمایت از هوای پاک در جامعه ایران و کردستان است که در مواردی به موفقیت‌هایی نیز دست یافته است. همچنین اعتراضات و اعتصابات کارگری، کامیون‌داران، بازاریان، نوشتن طومارهای اعتراضی از سوی اصناف، گردهمایی‌های بدون رهبر و مبتنی بر موضوعی خاص جماعت‌های مختلف در مکان‌های مختلف از تخت جمشید تا بازار و پارک و پاساژ (کوروش) از جمله نمودهای برجسته این تغییرات در یکی دو سال اخیر در جامعه و سیاست ایران و البته کردستان بوده است. از این منظر، به نظر می‌رسد نمی‌توان تمام تغییرات را به دلیل رشد فضای مجازی قلمداد کرد و به صراحت بر اهمیت و کارکرد مثبت فضای مجازی برای توسعه سیاسی و در مطالعه حاضر مشارکت سیاسی و اشکال آن سخن گفت؛ اما می‌توان عنوان کرد که به احتمال بسیار همزمان با رشد رسانه‌ها و شبکه‌های

مدنی است (ادواردز و قولی، ۱۳۸۹: ۳۴۴). از دیدگاه پاتنام سرمایه اجتماعی نهفته در هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی، پیش شرط توسعه اقتصادی، گسترش فرهنگ سیاسی دموکراتیک و در نهایت، حاکمیت کارآمد و دموکراتیک است. علاوه بر آن، نتایج این فرضیه با مطالعات تجربی از جمله مطالعات همتی و احمدی (۱۳۹۳)، پاتنام (2000) و ولکاک و نارایان (۱۳۸۹) همخوانی دارد؛ اما در این میان مطالعاتی نیز بوده‌اند که بر نقش تاحدودی نامناسب سرمایه اجتماعی در فضای واقعی برای ترویج مشارکت سیاسی و در نتیجه، گسترش دموکراسی تأکید کرده‌اند. در مجموع، نتایج این پژوهش وجود یک رابطه خطی و مستقیم بین ابعاد مختلف چهار بعد سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی را نشان می‌دهند.

علاوه بر آن، نتایج تحلیلی مطالعه نشان دهنده اثر معناداری حضور در فضای مجازی به ویژه روابط برون‌گروهی آن بر اشکال مشارکت سیاسی جدید (پنهان) است. در مقابل وجود سرمایه اجتماعی برون‌گروهی واقعی ارتباط معنادارتری با شکل آشکار و متعارف مشارکت سیاسی داشته است. این نتایج تأییدکننده مطالعات اسکوریچ و همکاران (2009) و تأکید آنها بر نقش پیوندهای برون‌گروهی آنلاین در شکل‌گیری شیوه‌های جدید مشارکت سیاسی، آکشای و همکاران (2015) و نتایج آنها مبنی بر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شیوه‌های جدید مشارکت بوده است. نتایج همزمان با ایده‌های کان و کلنر (94: 2004) در موضوع خرده‌فرهنگ‌های فعال آنلاین و تلقی فضای مجازی به منزله فضای حیاتی تازه برای سیاست و فرهنگ، شکل‌گیری انعطاف‌پذیری و استقلال کنش جمعی در فضای مجازی مطرح شده از طرف بیمبر و همکاران (2009)، اهمیت تقویت شخصی‌سازی کنش جمعی آنلاین بنت و همکاران (2014)، ایرل و کیمپورت (2011) و ویژگی‌های نوآورانه اشکال مشارکت عمومی آنلاین مانند سایت‌های اعتراضی آنلاین، بایکوت‌های آنلاین و کمپین‌های ایمیلی و توانایی آنها برای تغییر اشکال تثبیت‌شده فعالیت عمومی بدون نیاز به اعتراض

راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: محمد خضری، فرامرز تقی‌لو و سعید فرزادپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۲۸-۴۵.

پاتنام، ر. (۱۳۷۹). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.

پناهی، م. و خوشفر، غ. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی: استان گلستان»، *مجله مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، د ۱، ش ۲، ص ۱۵۴-۱۳۲.

دواس، د. الف. (۱۳۸۳). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.

راش، م. (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: سمت.

رهبرقاضی، م.؛ گشول، س.؛ عربیان، ح. و آشنایی، س. (۱۳۹۵). «فرهنگ سیاسی - مشارکتی و تأثیرات سرمایه اجتماعی»، *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، د ۴، ش ۴، ص ۱۲۲-۱۰۱.

ریتزر، ج. و گودمن، د. ج. (۱۳۹۰). *نظریه جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه: خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: جامعه‌شناسان.

شارع‌پور، م. (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی، مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سرمایه‌گذاری، مازندران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی*.

شجاعی‌باغینی، م.؛ مهرمنش، آ. و انصاری، ر. (۱۳۸۷). *مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

عبدالهیان، ح. و حقگویی، الف. (۱۳۸۸). «تبیین رابطه کاربردی اینترنت و مشارکت سیاسی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، د ۱۰، ش ۴، ص ۱۵۹-۱۳۰.

کرمانی، ح. و پاکدامن، ی. (۱۳۹۵). «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی کاربران ایران در فیس‌بوک و مشارکت مدنی آنها در دنیای واقعی»، *مجله پژوهش‌های*

اجتماعی مجازی، وجه جدیدی از سرمایه اجتماعی و شکل تازه‌ای از اعتماد به‌ویژه اعتماد تعمیم‌یافته برای ترویج و توسعه مشارکت سیاسی و مجراهای آن شکل گرفته است که بدون تردید عامل مقوم اشکال تازه مشارکت سیاسی خواهد بود؛ مشارکتی بدون رهبر، منعطف، تاحدودی پیش‌بینی‌ناپذیر و نامتعارف، موضوعی و البته با مشارکت تعداد کمتر افراد (در مقایسه با مشارکت‌های پیشین) خواهد بود که نتایج آن در صورت تداوم و تکرار به توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی کمک می‌کند.

منابع

ادواردز، ر. و قولی، م. (۱۳۸۹). «جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی: فراتر از آرای پاتنام»، *در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تدوین کیان تاجبخش، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه، ص ۳۶۸-۳۳۵.

اسلامی، س. (۱۳۹۱). «تعیین و محاسبه درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور طی دو مقطع (۱۳۸۵-۱۳۷۵)»، *مجله اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)*، س ۱۲، ش ۱، ص ۶۸-۴۱.

اشتریان، ک. و امیرزاده، م. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی: شهر تهران»، *فصلنامه سیاست*، د ۴، ش ۴، ص ۸۵۲-۸۲۱.

اینگلهارت، ر. و ولزل، ک. (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران: کویر.

باستانی، س.؛ کمالی، الف. و صالحی، م. (۱۳۸۸). «سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین‌شخصی»، *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، س ۱۶، ش ۶۱، ص ۸۱-۴۱.

باگناسکو، آ. (۱۳۸۸). «اعتماد و سرمایه اجتماعی»، *در*

- ارتباطی، ش ۸۷، ص ۳۵-۹.
- نادری، الف. (۱۳۹۶) «فرا تحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی؛ مطالعه اثربخشی عوامل تبیین کننده»، *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)*، د ۲۴، ش ۱، ص ۲۹۰-۲۵۹.
- ولکاک، م. و نارایان، د. (۱۳۸۹). «سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست‌گذاری»، *در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تدوین کیان تاجبخش، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه. ص ۵۶۸-۵۲۵.
- هانینگتون، س. (۱۳۷۳). *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه: احمد شهسا، تهران: روزنه.
- همتی، ر. و احمدی، و. (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین کننده آن؛ مورد مطالعه: شهر ایوان»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۱۸، ص ۱۸۳-۱۳۹.
- Adler, R. P. & Goggin, J. (2005) "What Do We Mean by Civic Engagement?" *Journal of Transformative Education*, 3 (3): 236-253.
- Akshy, E. Messing, S. & Adamic, L. (2015) "Exposure to Ideologically Diverse News and Opinion on Facebook." *Science*, 348: 1130-1132.
- Almond, G. A. & Verba, S. (1963) *The Civic Culture*. Princeton: Princeton University Press.
- Arneil, B. (2006) *Diverse Communities The Problem with Social Capital*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Barnes, S. Allerbeck, K. Farah, B. Heunks, F. Inglehart, R. Jennings, M. Klingemann, H. Marsh, A. & Rosenmayr, L. (1979) *Political Action: Mass Participation in Five Western Democracies*. London & Beverly Hills: Sage.
- Bell, D. (1993). *Communitarians and Its Critics*. Oxford: Clarendon Press.
- Bellin, E. (2012) "Reconsidering the Robustness of Authoritarianism in the Middle East." *Comparative Politics*, 44: 127-149.
- Bennett, D. & Fielding, P. (1999) *The Net Effect: How Cyberadvocacy is Changing the Political Landscape*, Merrifield, VA: e-advocates Press.
- Bennett, W. L. Segerberg, A. & Walker, S. (2014) "Organization in the Crowd: Peer Production in Large-Scale Networked Protests." *Information, Communication & Society*, 17 (2): 232-260.
- Bimber, B. Stohl, C. & Flanagin, A. J. (2009)
- "Technological Change and the Shifting Nature of Political Organization." In A. Chadwick & P. N. Howard (Eds.), *The Routledge Handbook of Internet Politics*, New York, NY: Routledge. 72-85.
- Bode, L. (2012) "Facebooking it to the Polls: A Study in Online Social Networking and Political Behavior." *Journal of Information Technology & Politics*, 9 (4): 352-369.
- Bode, L. Vraga, E. K. Borah, P. & Shah, D. V. (2014) "A New Space for Political Behavior: Political Social Networking and its Democratic Consequences." *Journal of Computer-Mediated*, 19 (3): 414-429.
- Boyd, D. M. & Ellison, N. B. (2007) "Social Network Sites: Definition, History and Scholarship." *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13 (1): 210-230.
- Dalton, R. (2006). *Citizen Politics: Public Opinion and Political Parties in Advanced Industrial Democracies*. Washington: CQ Press.
- Earl, J. & Kimport, K. (2011) *Digitally Enabled Social Change: Activism in the Internet Age*. Cambridge: MIT Press.
- Effing, R. Hillegersberg, J. & Huibers, T. (2011) "Social Media and Political Participation: Are Facebook, Twitter and YouTube Democratizing Our Political Systems?" *International Federation for Information Processing*, 15 (3): 25-35.
- Ekman, J. & Amnå, E. (2012) "Political Participation and Civic Engagement: Towards a New Typology." *Journal of Human Affairs*, 22 (3): 283-300.
- Fox, S. (2014) "Is it Time to Update the Definition of Political Participation? Review of Political Participation in Britain: The Decline and Review of Civil Culture." *Parliamentary Affairs*, 67: 495-505.
- Granovetter, M. S. (1973) "The Strength of Weak Ties." *American Journal of Sociology*, 78 (6): 1360-1380.
- Hampton, K. N. (2011) "Comparing Bonding and Bridging Ties for Democratic Engagement." *Information, Communication & Society*, 14: 510-528.
- Haythornthwaite, C. (2002). "Strong, Weak and Latent Ties and the Impact of New Media." *The Information Society*, 18 (5): 385-401.
- Huntington, S. & Nelson, J. (1976) *No Easy Choice: Political Participation in Developing Countries*. Harvard: Harvard University Press.
- Ikeda, K. & Boase, J. (2011) "Multiple Discussion Networks and Their Consequences for Political Participation." *Communication Research*, 38 (5): 660-683.
- Inglehart, R. (1997) *Modernization and*

- Political Participation in Singapore.” *Journal of Computer Mediated Communication*, 14: 414-433.
- Smith, A. Lehman Schlozman, K. Verba, S. & Brady, H. (2009) *The Internet and Civic Engagement*. PEW Internet and America Life Project, Washington DC. Available at: Pew Internet & American Life Project. Retrieved from [http://pewinternet.org/~media/Files/Reports/2009/The Internet and Civic Engagement.pdf](http://pewinternet.org/~media/Files/Reports/2009/The%20Internet%20and%20Civic%20Engagement.pdf).
- Teorell, J. (2006) “Political Participation and three Theories of Democracy: A Research Inventory and Agenda.” *European Journal of Political Research*, 45: 787-810.
- Teorell, J. Torcal, M. & Montero, J. R. (2007) “Political Participation: Mapping the Terrain.” In J. W. van Deth, J. R. Montero, A. Westholm (Eds.). *Citizenship and Involvement in European Democracies: A Comparative Analysis*, London & New York: Routledge. 334-357.
- Valenzuela, S. (2013) “Unpacking the Use of Social Media for Protest Behavior: The Roles of Information, Opinion Expression and Activism.” *American Behavioral Scientist*, 57: 920-942.
- Verba, S. & Nye, N. (1972) *Participation in America, Political Democracy and Social Equality*. New York: Harper and Row.
- Volpp, L. (2007) “The Culture of Citizenship.” *Theoretical Inquiries in Law*, 8 (2): 571. UC Berkeley Public Law Research Paper No. 1015142. Available at: SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1015142>.
- Wall, E. Gabriele, F. & Frans, S. (1998) “Getting the Goods on Social Capital.” *Rural Sociology*, 63 (2): 300-322.
- Williams, D. (2006) “On and Off the ‘Net: Scales for Social Capital in an Online Era.” *Journal of Computer-Mediated Communication*, 11 (2): 593-628. <https://www.isna.ir/news/96082414391>.
- Postmodernization. Cultural, Economic and Political Change in 43 Societies*. Princeton: Princeton University Press.
- Inglehart, R. & Welzel, C. (2009) “Political Culture and Democracy: Analyzing Crosslevel Linkages.” *Comparative Politics*, 36 (1): 61-79.
- Jottier, D. & Heyndels, B. (2012) “Does Social Capital Increase Political Accountability? An Empirical Test for Flemish Municipalities.” *Public Choice*, 150 (3): 731-744.
- ahn, R. & Kellner, D. (2004) “*New Media and Internet Activism: from the Battle of Seattle to Blogging*.” *Journal of New Media and Society*, 4 (1): 87-110.
- Kavada, A. (2015) “Creating the Collective: Social Media, the Occupy Movement and its Constitution as a Collective Actor.” *Information, Communication & Society*, 18: 872-886.
- Milbrath, L. W. & La Goel, M. (1983) *Political Participation. How and Why People Get Involved in Politics*. Chicago: RandMcNally.
- Pasek, J. More, E. & Romer, D. (2009) “Realizing the Social Internet? Online Social Networking Meets offline Civic Engagement.” *Journal of Information Technology & Politics*, 6: 197-215.
- Pempek, T. Yermolayeva, Y. & Calvert, S. (2009) “College Students Social Networking Experiences on Facebook.” *Journal of Applied Developmental Psychology*, 30: 227-238.
- Pinkett, R. (2003) “Community Technology and Community Building: Early Results from the Creating Community Connections Project.” *The Information Society*, 19 (5): 365-379.
- Putnam, R. D. (2000) *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster.
- Rojas, H. (2015) “Corrective Actions in the Public Sphere: How Perceptions of Media and Media Effects Shape Political Behaviors.” *International Journal of Public Opinion Research*, 22: 343-363. doi: 10.1093/ijpor/edq018.
- Rosa, A. L. (2014) “Social Media and Social Movements Around the World.” In B. Patrut & M. Patrut (Eds.), *Social Media in Politics: Case Studies on the Political Power of Social Media*, London, England: Springer. 35-47.
- Skoric, M. Goh, D. & Pang, N. L. (2016) “Social Media and Citizen Engagement: A Meta-Analytic Review.” *New Media & Society*, 18: 1817-1839. doi: 10.1177/1461444815616221.
- Skoric, M. M. Ying, D. & Ng, Y. (2009) “Bowling Online, Not Alone: Online Social Capital and